






Investigation of the prophet's accusation of capturing and enslaving women for his lust by dr. Soha in the book of critique of the quran*

Muhammad Hossein Muhammadi¹ 
Muhammad Jawad Eskandarlo² 
Muhammad Hossein Akrami³ 

ABSTRACT

Dr. Soha in his book “Critique of the Qur'an” has made many doubts and accusations against the Messenger of God. He considered the captivity and enslavement of women in the beginning of Islam for satisfying his lust and claimed that the Prophet acted like some kings who kidnapped women and girls and distributed them into his army and reduced them to commodities, so they have been repeatedly raped. Answering such doubts is one of the research necessities of every age and period. In this article, by providing a clear explanation of the concept and meaning of slavery, the causes and purposes of slavery, and explanation of the process of slavery and the mechanism of freeing slaves have been clarified, as well as the conditions of exploiting the bondwomen have been stated. The following answers have been given to the accusations: Slavery means depriving the enemies of religion and the fighters against Islamic society of their freedom of action; Drawing them into Islamic society and forcing them to live in slavery in order to be religiously educated and gradually liberated; The cause of slavery is to prevail in war and its purpose is to protect the unity of the Islamic society; The exploitation of bondwomen is through ownership, marriage and liberation, and is subject to *istibra'*.

KEYWORDS: Slavery, Enslavement, Accusing the Prophet of Lust, Soha and Criticism of the Quran

* Received: 2022 Oct 12 , Accepted: 2023 Jan 8.

¹. Assistant Professor, Quranic Sciences Department, Al-Mustafa International Society | mhmtafsir@yahoo.com

². Associate Professor, Quranic Sciences Department, Al-Mustafa International Society | mj-eskandarlo@miu.ac.ir

³. PhD Student in Comparative Interpretation, Mustafa International Society* | hosainakrami@yahoo.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی اتهام اسارت و برده‌گیری زنان به منظور شهوت‌رانی بر پیامبر ﷺ در کتاب نقد قرآن*

محمدحسین محمدی^۱ | محمدجواد اسکندریلو^۲ | محمدحسین اکرمی^۳

چکیده

متهم ساختن پیامبر اکرم ﷺ به اتهامات واهی و بی اساس، از جمله اشکالات و شبهاتی است که خاورشناسان یا دگر اندیشانی همچون دکتر سها- در کتاب نقد قرآن- بر دامن پاک و پیراسته‌ی رسول مکرم اسلام ﷺ وارد ساخته اند. پاسخ دهی به این گونه شبهات از ضروریات پژوهشی هر عصر و دورانی است. در این مقاله از سه منظر تفسیری، تاریخی و فقهی، با روش توصیفی-تحلیلی و بدون برخورداری از پیشینه‌ی اختصاصی، با ارائه‌ی تبیین روشنی از مفهوم و اسباب بردگی، به اتهام دکتر سها بر رسول خدا ﷺ (برده‌گیری به منظور شهوت‌رانی) از طریق ارائه‌ی راهکار و شیوه‌ی مشروع برده‌گیری پاسخ داده شده که عبارت است از: سلب آزادی عمل از دشمنان دین و محاربان جامعه اسلامی، کشاندن آنان به درون جامعه‌ی اسلامی، و ادار نمودن آنان را به زندگی در زی بردگی تا تربیت دینی بیابند و به تدریج آزاد گردند؛ لغو شدن برده‌گیری از طریق قلدری و ولایت و منحصر شدن سبب آن در غلبه‌ی جنگی، آن هم در جنگ مسلمانان با کفار، بعد از اتمام حجت و پذیرفته نشدن پیشنهاد جزیه و معاهده؛ مشروع شدن جواز وطی به استبراء.

واژه‌های کلیدی: برده‌گیری، متهم ساختن پیامبر ﷺ به شهوت‌رانی، سها و نقد قرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵.

^۱. استادیار گروه علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه | mhmtafsir@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه | mj-eskandarlo@miu.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه* | hosainakrami@yahoo.com

۱. مقدمه

تشکیک و شبهه افکنی سابقه طولانی، شاید به درازای عمر انسان دارد که گاهی به منظور حق‌طلبی بوده و گاهی به منظور حق‌جلوه دادن یا باطل جلوه دادن حق بوده و به لحاظ دامنه و قلمرو نیز در حوزه‌های گوناگونی، اعم از طبیعیات و ماوراء الطبیعه، راه‌یافته‌است. یکی از موضوعاتی که امروزه مورد اتهام و شبهه‌افکنی قرار گرفته، مسأله اسارت و برده‌گیری زنان از سوی پیامبر ﷺ در جنگ‌های صدر اسلام است که دکتر سها در کتاب «نقد قرآن»، آن را به منظور شهوت رانی دانسته و در این زمینه چنین می‌گوید: «روش دیگر تصاحب زنان در اسلام بردگی است. محمد در جنگ‌هایش زنان و دختران و کودکان را می‌ربود و بین لشکریانش قسمت می‌کرد و زنان و دختران به‌عنوان بردگان جنسی مادام‌العمر مورد تجاوز جنسی قرار می‌گرفتند. کمی تأمل کنید؛ شنیده‌اید که بعضی پادشاهان در جنگ با دشمنانشان مثلاً زنان یک روستا را برای شبی در اختیار سربازانشان قرار می‌دادند. زشتی و شناعة این کار قلب هر انسان سالمی را به درد می‌آورد. حال دقت کنید؛ محمد دختران و زنان غیرمسلمانان را و حتی زنان شوهردار را نه برای یک‌شب، بلکه برای همیشه در اختیار سربازانش بلکه ملوک سربازانش قرار می‌داد. زنان آزاد را به درجه کالا تنزل می‌داد تا هم برای مسلمانان نوکری کنند و هم برای همیشه ابزار لذت جنسی آنان باشند. این شنیع‌ترین کاری است که انسانی می‌تواند مرتکب شود. این کار یک جنایت هولناک است که در زشتی قرین ندارد. آیا تو به‌عنوان یک انسان عاقل گمان می‌کنی که این جنایات هولناک، که قرآن و محمد به آن دستور داده‌اند، کار خداست؟ آیا ممکن است خدا تا این حد رذل باشد؟» (سها، ۱۳۹۳: ۴۳۱).

لذا؛ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پی نقد و بررسی این اتهام و شبهه، از منظر تفسیری، تاریخی و فقهی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

اثر مستقلی که به نقد و بررسی این اتهام پرداخته باشد، تاکنون به رشته تحریر در نیامده‌است؛ اما آثار مرتبط با آن که حکمت‌های تعدد زنان پیامبر ﷺ را برشمرده، موارد ذیل می‌باشد:

(۱) «تراجم سیدات بیت النبوه» اثر عائشه بنت الشاطی که در این کتاب علاوه بر

زندگی‌نامه زنان پیامبر ﷺ به حکمت‌های ازدواج‌های متعدد پیامبر ﷺ نیز پرداخته شده‌است.

(۲) «مستشرقان و پیامبر اعظم ﷺ»، اثر حسین عبدالحمّدی (پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ: ۱۳۹۲ ه.ش) که در آن دیدگاه مستشرقان نسبت به پیامبر ﷺ نقد و بررسی شده و از جمله موضوعاتی که در آن مورد بحث قرار گرفته، دیدگاه آنان نسبت به ازدواج‌های پیامبر ﷺ و فلسفه ازدواج‌های او از منظر تاریخ است.

(۳) «اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم ﷺ»؛ در این مقاله که توسط سید اسحاق شجاعی (در مجله سفیر نور: شماره ۴) به چاپ رسیده، علاوه بر تبیین اهداف ازدواج‌های متعدد پیامبر ﷺ به شبهه لذت‌جویی که از سوی مستشرقان مطرح گردیده، نیز جواب داده شده‌است.

(۴) «کنکاشی درباره علل تعدّد همسران پیامبر اکرم ﷺ»، اثر مهدی کاظم نژاد و مهدی ابوالقاسم زاده (مجله معرفت: شماره ۱۰۸)؛ در این مقاله به عللی همانند محکم کردن ستون‌های ساختمان دین و ثابت نمودن پایه‌های اسلام، شفقت و دلسوزی نسبت به زنان بیوه و بی‌یاور و مشکل بودن تهیه خوراک و پوشاک برای زنان در آن روزگار، پرداخته شده‌است.

(۵) «ازدواج‌های رسول گرامی اسلام ﷺ» (نقد و بررسی دیدگاه اسلام‌شناسان اروپایی) اثر زیبا شفیعی خوزانی (مجله نامه تاریخ پژوهان: شماره ۸)؛ در این مقاله دو شبهه لذت‌جویی و پسر خواهی پیامبر ﷺ با تکیه بر نتایج تحقیقات اسلام‌شناسان غربی در قرن بیستم مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

(۶) «بحثی پیرامون همسران پیامبر»؛ این مقاله که توسط علی دوانی (در مجله درس‌هایی از مکتب اسلام: شماره ۹۶) به چاپ رسیده، ابتدا پیشینه تعدّد ازواج را بررسی کرده و سپس علل تعدّد ازواج پیامبر ﷺ را برشمرده که عمده‌ترین آن علت سیاسی می‌باشد و در ادامه چگونگی ازدواج‌های پیامبر ﷺ را شرح داده است.

(۷) «پیامبر اکرم ﷺ و چند همسری» از مصطفی جعفر پیشه (مجله بازتاب اندیشه:

شماره ۸۴)؛ نویسنده در این مقاله با بررسی شواهد تاریخی به این نتیجه رسیده که تعدد ازدواج پیامبر ﷺ ریشه در ایشار، خلق عظیم و فرمانبرداری او از دستوره‌های الهی همراه با خردگرایی، آگاهی و سیاستمداری او از یک سو و عدالت مثال زدنی ایشان از سوی دیگر، دارد.

۸) «تعدد همسران پیامبر ﷺ» از مصطفی عزیزی علویجه (مجله مبلغان: شماره ۸۲) که در آن انگیزه‌های سیاسی، انسانی، شکستن سنت جاهلی و آزاد سازی اسیران و بردگان به عنوان حکمت‌ها و انگیزه‌های ازدواج رسول خدا ﷺ بر شمرده شده است.

۹) «چند همسری در قرآن و سیره پیامبر ﷺ» از وحیده حمادی (مجله بینات: شماره ۵۲). در این مقاله مباحثی همانند جواز تعدد زوجات از منظر قرآن، پیشینه تعدد زوجات و فلسفه تعدد زوجات پیامبر ﷺ مطرح شده و توجه به جنبه‌های روحی و معنوی، پناه دادن به زن بی‌پناه، تألیف قلوب و ابطال سنت جاهلی، جزء فلسفه‌ها و حکمت‌های تعدد ازواج پیامبر ﷺ محسوب شده است.

۱۰) «حکمت چند همسری در حیات رسول خدا ﷺ» از نیکو دیلمه (مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی: شماره ۴) که در آن پس از بررسی شرایط و چگونگی ازدواج‌های پیامبر ﷺ، موارد مذکور در بند شماره نه را عنوان حکمت‌های ازدواج رسول خدا ﷺ بر شمرده است.

۱۱) «فلسفه چند همسرگزینی پیامبر ﷺ» نوشته حسن عاشوری لنگرودی (مجله فرهنگ کوثر: شماره ۸۴) که در این مقاله هدف سیاسی، هدف تربیتی، تکریم کنیزان، نجات زن و ابطال سنت جاهلی، به عنوان فلسفه تعدد ازواج پیامبر ﷺ ذکر شده است.

۲-۱. معرفی کتاب نقد قرآن

شخصی با اسم مستعار دکتر سها که مدعی است در تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام، فقه و فلسفه صاحب نظر می‌باشد، کتابی را تحت عنوان «نقد قرآن» تدوین و به صورت پی‌دی‌اف (pdf) در فضای مجازی به طور گستره پخش نموده است. این کتاب بار اول در سال ۱۳۹۱،

در ۸۶۰ صفحه، و بار دوم در سال ۱۳۹۳، در ۹۳۵ صفحه تهیه و تنظیم گردیده است. ویرایش دوم آن متشکل از یک مقدمه و ۲۳ فصل و یک نتیجه‌گیری است. نویسنده آن مدعی است که در این کتاب بیش از هزار غلط فاحش قرآن را به نمایش گذاشته است تا صغرای استدلالش به اثبات برسد. کبرای استدلال او چنین است: «اگر قرآن از خدا باشد بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است» که با رفع تالی «قرآن پر از خطا و ضعف است و معجزه‌ای هم ندارد»، رفع مقدم را چنین نتیجه گرفته: «پس قرآن از خدا نیست» (ر.ک: سها، ۱۳۹۳: ۳۰). ایشان منابع کتاب خود را قرآن و سنت معتبر مثل کتب معتبر حدیثی، به خصوص صحیح بخاری و صحیح مسلم، سیره رسول‌الله، سیره ابن اسحاق، سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تفاسیر معتبر موجود، معرفی می‌نماید. نویسنده این کتاب، با روش ظاهرگرایی مفرط و تفسیر به رأی، به این نتیجه رسیده که همه ادیان خرافی است و هیچ وحی و الهامی صورت نگرفته و اصلاً خدای عالم، عاقل، عادل، و مهربان وجود ندارد و آنچه را که به‌عنوان خدا معتقدیم، موجود وهمی و مخلوق ذهن ماست (ر.ک: همان: ۹۳۳).

فصل هفتم این کتاب تحت عنوان محمد ﷺ در قرآن است که برخی از شبهات آن مربوط به ازدواج‌های پیامبر ﷺ می‌باشد؛ همانند حلال شدن زنان به‌طور نامحدود، هبه، برده‌گیری، تصاحب زن شوهردار، به‌منظور شهوت‌رانی، نقض شدن حقوق عایشه، بی‌عدالتی در بین همسران، بی‌عدالتی در تحریم ماریه که در این مقاله شبهه اسارت و برده‌گیری زنان به‌منظور شهوت‌رانی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۲. بررسی اتهامات دکتر سها

دکتر سها یا واقعاً از معنای برده‌گیری در اسلام، اسباب بردگی، هدف از برده‌گیری، فرایند برده‌گیری، مکانیسم آزادسازی بردگان و شرایط بهره‌گیری از کنیزان و ... بی‌خبر بوده یا خود را به بی‌خبری زده که چنین اتهامات واهی را بر دامن پاک رسول گرامی اسلام ﷺ وارد نموده و ادعا کرده که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ همانند برخی از پادشاهان، به ربودن زنان و دختران و قسمت نمودن آنان را در بین لشکریان خود، همت گماشته و ضمن سلب آزادی آنان و تنزل دادن آنان در حد کالا، مدام آنان را مورد تجاوز جنسی قرار داده‌اند. نقد و بررسی این اتهامات و شبهات به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۲. خلط بین مفهوم بردگی و مفهوم آدم ربائی

سها بدون ارائه دادن حتی یک دلیل و مستند قرآنی، روایی، فقهی و تاریخی، نه تنها گرفتار توهم مذکور شده، بلکه بین مفهوم بردگی و مفهوم آدم ربائی، خلط نموده‌است. برای اثبات این مطلب و دلیل نداشتن او بر مدعایش، لازم است که ابتدا مطالب ذیل را به عنوان مقدمات استدلال، با هم مرور نماییم:

۱-۱-۲- معنای بردگی

قبل از اسلام، منظور از بردگی این بوده که انسان تحت شرایط خاصی آزادی‌اش سلب گردد و به صورت متاع قابل تملک مانند: حیوانات، نباتات و جمادات درآید؛ چنین شخصی نه تنها از خود اختیاری نداشته؛ بلکه اعمال و آثار او نیز مال غیر بوده و او اجازه هیچ‌گونه تصرفی در آن را نداشته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۴۱). برخی در این زمینه چنین می‌نویسد: «اصل معنای آن این است که انسان همچون سائر اجناس و امتعه، متاعی است که در دست مالک آن است و او هرگونه تصرفی و اختیاری درباره او دارد؛ و بنده به هیچ‌وجه از خود اختیار و اراده‌ای در برابر اختیار و اراده مالک خود ندارد» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۶۵). اما بردگی در اسلام عبارت است از سلب آزادی عمل از دشمنان دین و محارب‌ان جامعه اسلامی، کشتادن آنان به درون جامعه اسلامی، و ادار نمودن آنان به زندگی نمودن در زی بردگی تا تربیت دینی بیابند و به تدریج آزاد گردند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۵۴).

۲-۱-۲- اسباب بردگی

قبل از اسلام اسباب بردگی و برده‌گیری، سه چیز بوده: یکی غلبه در جنگ که به غالب شونده اجازه انجام هر کاری را نسبت به مغلوب شده می‌داده‌است؛ مانند: کشتن، اسیر نمودن و آزاد نمودن در ازای گرفتن پول. دومی قدرت ریاست که رئیس در حوزه ریاستش هر کاری را می‌خواسته انجام می‌داده‌است. سومی غلبه و قهری که پدر نسبت به فرزندش داشته و ولایت او حق انجام هر کاری را نسبت به او می‌داده؛ مانند: فروختن، بخشیدن به دیگران، عوض نمودن با فرزندان دیگر، عاریه دادن و... پس از آمدن اسلام، دو سبب اخیر از اسباب بردگی لغو گردید؛ با این توضیح که اعلام شد شاه و رعیت، حاکم و محکوم، سرباز و فرمانده، خادم و مخدوم، از حقوق انسانی یکسانی برخوردارند و جان، و مال و آبروی همه از

احترام یکسانی برخوردار می‌باشد؛ حاکم اسلامی فقط در اجرای احکام و حدود الهی و مصالح عام جامعه دینی بر مردم ولایت دارد و ولایت پدران را هم محدود به حضانت و نگهداری فرزندان نمود و در عوض بار سنگین تعلیم و تربیت آنان و حفظ اموال آنان در دوران کودکی را بر دوش پدران گذاشت که پس از بلوغ در حقوق اجتماعی-دینی باهم مساوی می‌شوند و فرزندان در زندگی شخصی خود مستقل و صاحب‌اختیار می‌شوند. ولایت شوهران بر زنان را هم از بین برد و برای زنان ارزش اجتماعی قائل شد. در نتیجه زنان دوشادوش مردان یکی از دو رکن اجتماع گردید و زمام انتخاب شوهر و اداره اموال شخصی خود را به دست گرفت و تنها سبب اولی را باقی گذاشت، آن‌هم فقط در جنگ‌های بین مسلمانان و کفار حربی. (ر.ک: همان، ج ۶: ۳۴۴-۳۴۲).

۳-۱-۲- اهداف برده‌گیری

هدف اصلی از برده گرفتن دشمنان اسلام و تقسیم نمودن آنان در بین مسلمانان، حفاظت از کیان جامعه اسلامی است؛ به دلیل این که نسبت به دشمن محاربی که تمام همّش را بر نابودی جامعه اسلامی و از بین بردن نسل او و ویران ساختن آبادی‌های او گذاشته، فطرت انسانی بدون هیچ‌گونه تردیدی حکم می‌کند بر اینکه این‌گونه افراد جزء جامعه انسانی به شمار نمی‌آیند و باید از بین برده شوند و دست کم به رقیّت گرفته شوند. سنّت عملی بنی آدم از روزی که پا در روی زمین گذاشته تا به امروز چنین بوده و خواهد بود. اسلام چون ساختمان جامعه دینی خود را بر بنیاد توحید بنا نهاده، عضویت هر منکر توحید و حکومت دینی را از جامعه انسانی لغو نموده، مگر آنکه شرایط ذمه را بپذیرد یا با حکومت اسلامی عهدی ببندد؛ پس کسی که نه دین اسلام را پذیرفته و نه شرایط ذمه را پذیرفته و نه عهدی با حکومت اسلامی بسته، از انسانیت خارج شده و از نظر اسلام چنین کسی نه خودش و نه مالش و نه عملش، هیچ‌کدام حرمت و احترام ندارد. لشکر اسلام در صورت پیروزی می‌تواند او را اسیر نموده و برده خود قرار دهد و طرف داری از آزادی چنین افرادی از یک طرف و محافظت از کیان جامعه اسلامی از طرف دیگر، جمع صریح بین متناقضین خواهد بود (ر.ک: همان، ج ۶: ۳۴۶-۳۴۲).

اهداف فرعی آن تضعیف دشمن و تربیت نمودن آنان بر طبق موازین اسلام و سپس آزاد نمودن آنان می‌باشد؛ برخی در این زمینه چنین می‌نگارند:

اگر اسیران تقسیم هم شوند، هدفی از این تقسیم در نظر گرفته نشده مگر هضم و تحلیل باقی مانده قدرت کفّاری که عناد می‌ورزند و نیز تقسیم و پخش فرزندان و زنان آنان در میان خانواده‌های مسلمانان تا به تدریج موازین اسلام را آموخته و شخصیت و ماهیت اسلامی به خود گیرند، و اینکه امکان تجمع و تشکل مجدد و دوباره بر ضد اسلام و حق را پیدا نکنند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۴۲۷).

۴-۱-۲- فرایند برده‌گیری

فرایند برده‌گیری در اسلام این‌گونه است که قشون اسلام پس از آماده شدن برای جنگ با کفّار هم‌مرز و هم‌جوار، ابتدا اتمام حجّت می‌نمایند و با موعظه، سخنان حکمت‌آمیز و جدال احسن، آنان را دعوت به حق می‌کنند؛ اگر پذیرفتند برادران دینی آنان خواهند شد و اگر نپذیرفتند، در این صورت یا کتابی‌اند و حاضر می‌شوند که به حکومت اسلامی جزیه دهند؛ در این فرض هم به حال خودشان گذاشته می‌شوند و در ذمه اسلام به سلامت زندگی می‌نمایند، یا با قشون اسلام معاهده‌ای می‌بندند؛ در این صورت چه کتابی باشند و چه نباشند به عهدشان وفا می‌شود. اگر هیچ‌کدام از این صور عملی نشد، آن وقت با اعلام قبلی با آنان مقاتله می‌شود، در حین جنگ تنها آنانی کشته می‌شود که سلاح به دست گرفته و در میدان نبرد حاضر شده‌اند اما کسانی که تسلیم شده‌اند، مردان، زنان و کودکان مستضعف محکوم به قتل نیستند. هم‌چنین شیخون زدن و بدون اطلاع بر دشمن تاختن و آب را به روی آنان بستن و شکنجه کردن و مثله نمودن آنان نیز جایز نیست. بعد از پایان یافتن جنگ و غالب شدن مسلمانان، افراد و اموالی که از کفّار باقی می‌ماند، مال مسلمانان می‌شود. تاریخ درخشان جنگ‌های رسول خدا ﷺ مشتمل است بر صفحاتی نورانی و مملو است از سیره عادلانه و پسندیده‌ای که سراسر لطایفی از فتوت و مروت و ظرایفی از برّ و احسان می‌باشد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۴۶).

۵-۱-۲- بررسی تاریخی اسرای جنگی در جنگ‌های صدر اسلام

تعداد غزوه‌های رسول خدا ﷺ ۲۷ غزوه و تعداد سریه‌های او ۳۸ یا ۴۷ یا ۴۸ سریه در

مجموع ذکر شده است (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۲) که از برخی جهات می‌توان آن‌ها را به چند دسته، تقسیم‌بندی کرد:

۱- برخی نه غنیمت در پی داشته و نه اسارت؛ مانند سریه حمزه بن عبدالمطلب به سیف البحر که با میانجی‌گری شخصی به نام مجدی، بدون درگیری خاتمه یافت (ر.ک: همان، ج ۱: ۱۰؛ فقیه، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۱).

۲- بعضی تنها غنیمت در پی داشته مانند غزوه بنی قینقاع که پیامبر اسلام ﷺ بعد از ورودش در مدینه با تمام یهودیان داخل و اطراف مدینه، از جمله بنی قینقاع پیمان صلح و عدم همکاری با دشمنان اسلام، امضا کرد. بعد از جنگ بدر، بنی قینقاع با نشر شعارهای زننده و اشعار توهین‌آمیز، در عمل پیمان‌شکنی کردند و بعد از کشتن مسلمانی که در پی بی‌حرمتی یک زرگر یهودی به زن مسلمانی او را کشته بود، به قلعه‌های خود پناهنده شدند. لشکر اسلام آن‌ها را محاصره نمود که بعد از مدتی تسلیم شدند، با وساطت و اصرار عبدالله بن ابی، پیامبر ﷺ از کشتن آن‌ها صرف نظر کرد و دستور داد که اموال و سلاح آنان گرفته شود و خود آنان از مدینه اخراج گردند. اموال و سلاح‌های به دست آمده پس از اخذ صفایا و خمس آن توسط رسول خدا ﷺ بقیه در بین اصحاب تقسیم گردید (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۹-۱۷۶؛ حلبی شافعی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۲۸۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۸۲؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۱۳-۵۱۶). نمونه دوم غزوه بنی نضیر است که پس از نقض پیمان با تصمیم گرفتن به قتل پیامبر ﷺ از طریق انداختن سنگی از بالای بام، پیامبر ﷺ از نقشه شوم آنان توسط جبرئیل با خبر شد؛ لذا از کنار دیوار آن خانه، بلند شد و به مدینه آمد. سپس پیغام فرستاد که تا ده روز مدینه را ترک نمایند؛ اما آن‌ها در اثر وعده همکاری «ابن ابی» در قلعه‌های خود آماده جنگ شدند که پس از پانزده روز محاصره حاضر شدند سلاح‌های خود را زمین بگذارند و از اموال خود به اندازه یک بار شتر با خود ببرند. بنابراین، اموال و مزارع آنان جزء فیء قرار گرفت و پیامبر ﷺ آن را بین مهاجران تقسیم نمود (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۸۰-۳۶۴).

۳- بعضی همراه با غنیمت یا بدون آن، اسارت در پی داشته است که از بین این اقسام، فقط همین قسم اخیری محل بحث ماست و برای اطلاع از تعداد اسرا و سرنوشت آنان، می‌توان گفت: در «سریه نخله» دو نفر اسیر گرفته شد که یکی از آن دو اسلام آورد و

دیگری در مقابل فدیة آزاد شد (ر.ک: همان، ج ۱: ۱۸-۱۳)؛ «غزوه بدر» اسارت هفتاد نفری را در پی داشت که تعدادی از آنها در برابر تعلیم خواندن و نوشتن به ده نفر از اطفال، آزاد شدند، بعضی دیگر در برابر فدیة و آن‌هایی که فقیر بودند بر آن‌ها منت گذاشته شد و بدون پرداخت فدیة آزاد گردید (ر.ک: همان، ج ۱: ۱۱۶ و ۱۴۴؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۰۴)؛ در سریة قرده یک نفر به نام فرات بن حیّان به اسارت گرفته شد که پس از پذیرش اسلام، آزاد گردید (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۹۸؛ جزری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۵۲). «غزوه بنی المصطلق» اسیر شدن تعدادی از مردان جنگی، همراه با زنان و بچه‌ها را به دنبال داشت و اموال آنان که دو هزار نفر شتر و پنج هزار رأس گوسفند بود، نیز به غنیمت گرفته شد (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۸). بعد از تخمیس، اموال و اسرا در بین سربازان اسلام تقسیم گردید که در بین آنان جویریة دختر حارث هم بود و در سهم ثابت بن قیس و پسرعمویش قرار گرفت. جویریة با آن دو قرارداد مکاتبه بست و برای پرداخت مال الکتابه نزد پیامبر ﷺ آمد، ابتدا اسلام خود را اظهار داشت و پس از آن درخواست کمک کرد. پیامبر ﷺ پس از پرداخت مال الکتابه، او را تملک کرد و سپس آزاد و با او ازدواج نمود، این ازدواج باعث شد که صد خانواده از بنی المصطلق آزاد شوند، بقیة در برابر فدیة آزاد گردیدند (ر.ک: همان، ج ۱: ۴۱۲-۴۱۱). واقدی از مجامعت با برخی از آن زنان سخن به میان آورده (همان، ج ۱: ۴۱۳) که به دلیل تصریح نشدن به استبراء آنان، از سوی برخی از محققان مورد اشکال قرار گرفته است (یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۸۴). «غزوه بنی قریظه» اسارت آنان را در پی داشت که سرانجام، مردان شان کشته شدند و زنان و بچه‌های شان فروخته شدند (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۲۲-۴۹۷؛ فقیه، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۵۱-۲۲۶). سریة ابو عبیده جراح به ذی القصة که در آن یک نفر اسیر شد و پس از آورده شدن به مدینه، آن مرد مسلمان شد و رسول خدا ﷺ او را آزاد ساخت (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۵۳ و ۶۰). سریة زید بن حارثه به عیص، اسارت برخی از افراد، از جمله ابوالعاص بن ربیع همسر زینب بنت رسول خدا ﷺ را به دنبال داشت که او به خانه زینب پناهنده شد و از سوی پیامبر ﷺ نیز مورد پذیرش قرار گرفت، لذا اموال افرادی از قریش که نزد او بود مسترد شد. ابوالعاص به مکه آمد و اموال مردم را تسلیم نمود و اعلام داشت که اسلام آورده و به مدینه بازگشت (ر.ک: همان، ج ۲: ۵۵۴ و ۶۷). در سریة زید بن

حارثه به حسمی، یک‌صد نفر زن و بچه اسیر شدند. بنی ضیبب وقتی از این قضیه باخبر شدند، نزد زید بن حارثه آمدند و گفتند ما مسلمانیم و سوره حمد را به‌عنوان امتحان قرائت کردند؛ تعدادی از آن‌ها به همراه رفاعه نزد پیامبر ﷺ آمدند. رفاعه ضمن دادن گزارش از ابلاغ نامه او برای مردم جذام و مسلمان شدن آنان، خواستار آزادی اموال و اسرای آنان شد. رسول خدا ﷺ شمشیر خود را به حضرت علی علیه‌السلام داد و او را مأمور ساخت که نزد زید بن حارثه برود و فرمان آزادی اموال و اسرای جذام را به او برساند. زید پس از دیدن شمشیر رسول خدا ﷺ و شنیدن فرمان او اموال را مسترد و اسرا را آزاد ساخت؛ حتی زنانی که به‌واسطه ملکیت و بعد از استبراء وطنی شده بودند، باز گردانده شد (ر.ک: همان، ج ۲: ۵۶۰-۵۵۶؛ ۶۸؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۶۹). سرّیه زید بن حارثه به مدین که در آن اسرایی از اهل میناء گرفته شد، هنگام فروش گریه آن‌ها بلند شد؛ پیامبر ﷺ علت آن را پرسید، گفتند: به خاطر جدایی انداختن بین مادران و فرزندان است؛ لذا پیامبر ﷺ دستور داد که باهم فروخته شوند (ر.ک: حمیری المعافری، بی‌تا، ج ۲: ۶۳۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۹۷). جنگ خیبر: شرکت نمودن یهودیان خیبر در جنگ احزاب و جمع‌آوری نمودن آن‌ها افرادی را از غطفان و قبائل دیگر، برای جنگ با رسول خدا ﷺ باعث برافروخته شدن آتش جنگ خیبر شد (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۹؛ عربی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۲۹۴) که سپاه رسول خدا ﷺ در ماه صفر (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۳۴) یا جمادی‌الاول (همان، ج ۲: ۸۱) سال هفتم هجری به سمت خیبر حرکت کردند. اسیر شدن صفیه و دخترعمویش و چند دختر بچه دیگر و هم‌چنین اسارت زنان و فرزندان کنانه بن ابی‌الحقیق و برادرش در نتیجه این جنگ صورت گرفت که رسول خدا ﷺ در مورد مجامعت با زنان اسیر فرمود: آن‌ها را به مدت یک‌هفته حیض دیدن استبراء نمایند و اگر حامله بودند تا وضع حمل آنان صبر نمایند (ر.ک: همان، ج ۲: ۶۵۹-۵۱۲). سرّیه غالب بن عبدالله به‌سوی بنی مرّه در منطقه فدک و بنی الملوّح در کدید که پس از کشته شدن تعدادی از جنگ‌جویان آنان، چهار پایان آن‌ها به غنیمت و زنان و فرزندان‌شان به اسارت درآمدند (ر.ک: همان، ج ۲: ۷۵۱ و ۷۲۴). سرّیه شجاع بن وهب به سیّ از سرزمین بنی عامر از ناحیه رکیه که در آن چند زنی به اسارت درآمد. پس از مدّت کوتاهی تعدادی از مردم آنجا درحالی که مسلمان شده بودند به مدینه

آمدند و با رسول خدا ﷺ درباره پس دادن زنان صحبت کردند. رسول خدا ﷺ نیز پس از صحبت با شجاع و یارانش، زنان را برگرداند (ر.ک: همان، ج ۲: ۷۵۴). سریه قطبه بن عامر بن حدیده به سوی طایفه از خثعم در منطقه تباله که پس از شکست دادن آن‌ها شتران و گوسفندانی به غنیمت گرفتند و زنانی را به اسارت درآوردند (ر.ک: همان، ج ۲: ۷۵۵). سریه خضره به سرکردگی ابو قتاده که در آن چهار زن به همراه تعدادی پسر بچه و دختر بچه اسیر شد (ر.ک: همان، ج ۲: ۷۸). سریه عیینه بن حصن به سوی بنی تمیم که در آن یازده مرد و یازده زن و سی کودک را به اسارت گرفتند و به مدینه آوردند. رسول خدا ﷺ دستور داد که آنان را در خانه رمله دختر حارث نگه‌دارند. سپس گروهی از سران قبیله آمدند و با رسول خدا ﷺ صحبت نمودند و بدین ترتیب اسرا آزاد شد (ر.ک: همان، ج ۲: ۱۲۲). سریه ذات السلاسل که اسارت ذریه آنان را به دنبال داشت (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۳۷؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۸؛ یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۷۴). در برخی از نقل‌ها تعداد اسرا یک‌صد و بیست دختر جوان گزارش شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۸۴). جنگ حنین که در آن شش هزار نفر انسان اسیر گرفته شد (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۱۶؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۳۴). رسول خدا ﷺ از مجامعت با زنان حامله از اسرا تا زمانی که وضع حمل نمایند و غیر حامله از آنان تا یک‌بار حیض شوند، منع کرد (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۲۰)، به دنبال آن نمایندگان از هوازن خدمت پیامبر ﷺ آمدند و خواستار آزادی اسرا شدند، رسول خدا ﷺ سهم خود و خاندان عبدالمطلب را بخشید و به بقیه مسلمانان فرمود: این گروه مسلمان شده‌اند و خواستار آزادی زنان و فرزندان خود می‌باشند؛ در نتیجه همه مسلمانان به آزادی آنان رضایت خود را اعلام نمودند (ر.ک: همان، ج ۲: ۱۱۷). سریه امیرالمؤمنین علیؑ برای ناپود کردن بت فلس در قبیله طیّ که در آن تعدادی اسیر گرفتند. از بین اسرا، هر کسی را که مسلمان شد آزاد کردند و هر کسی که اسلام را نپذیرفت، همراه با غنائم به مدینه آوردند و به استثنای خاندان حاتم طائی، بعد از تخمیس تقسیم گردیدند (ر.ک: همان، ج ۳: ۹۸۴ و ۹۸۷؛ همان، ج ۲: ۱۲۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۴۶). هم‌چنین در سریه خود به مدحج یمن مقداری غنائم و اسیر به دست آوردند که بعد از جدا نمودن خمس آن، بقیه را بین اصحاب خود تقسیم نمود (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۸۰؛ همان، ج ۲: ۱۲۹).

۶-۱-۲- بررسی فقهی جواز مجامعت با کنیز و شرایط آن

در اسلام، به خصوص در فقه شیعه دوازده امامی، علاوه بر عقد دائم و موقت، دو چیز دیگر نیز از اسباب حلیت آمیزش جنسی و دیگر استمتاعات آن، می‌باشد (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۶۶؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۸)؛ یکی «ملک یمین» و استقرار پیدا کردن ملکیت نسبت به کنیز، خواه این حصول ملکیت، از طریق برده‌گیری باشد یا از طریق بیع یا صلح یا هبه یا ارثی که بعد از برده‌گیری محقق شود (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۲؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۱۰: ۴۷۵)، مشروط بر این که قبل از مجامعت استبراء صورت بگیرد؛ اما چگونگی آن به این نحو است که در زنانی که حیض می‌شوند به مدت یک‌بار حیض شدن باید صبر نمایند و در زنانی که در سن حیض هستند ولی به دلایلی حیض نمی‌شوند، باید به مدت چهل و پنج روز صبر نمایند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۷۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۵۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰: ۲۵۹). دیگری حلال نمودن مالک است کنیزش را به کس دیگری که ازدواج آن دو با یکدیگر جایز باشد؛ مثل اینکه کنیزی را که خود با او هم بستر شده به کسی تحلیل نماید که از محارم نسبی یا رضاعی یا خویشاوندی او نباشد و شرایط دیگری مثل ایمان، اسلام و ... نیز موجود باشد؛ چگونگی آن به این نحو است که بگوید: «أحللت لك وطأها» یا «جعلتك في حل من وطئها» (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۳۴؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶، ج ۱۲: ۹۳).

خلاصه برده‌گیری انسان از هم نوعش مسبب از سه عامل غلبه در جنگ، زورمندی و ولایت بر زنان و فرزندان بوده و اسلام برده‌گیری را تنها از طریق غلبه در جنگ - آن‌هم در جنگ مسلمانان با کفار حربی که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند - پذیرفته که فرایند آن این گونه می‌باشد: سپاه اسلام پس از آماده شدن برای جنگ با کفار هم‌جوار، ابتدا آنان را با موعظه و سخنان حکمت‌آمیز و جدال احسن، دعوت به حق می‌نماید، اگر نپذیرفتند به آنان پیشنهاد جزیه دادن یا بستن معاهده می‌دهد، اگر این را هم نپذیرفتند، آن وقت با آن‌ها اعلام جنگ می‌کند که پس از پایان یافتن جنگ و غالب شدن آن‌ها، اموال و افرادی که از کفار باقی می‌ماند، مال مسلمانان می‌شود و تصرفاتی که در آن انجام می‌شود از جمله مجامعت با کنیزان، از باب ملکیت است و آن‌هم مشروط به استبراء می‌باشد که نمونه‌های از آن در بررسی غزوه‌ها و سریه‌های رسول خدا ﷺ ارائه شد.

از توضیح مقدمات مذکور، به دست آمد که سها بین آدم ربائی و برده‌گیری، خلط نموده؛ زیرا آدم ربائی اولاً مخفیانه و از طریق فریب کاری یا زورگیری و قلدری است. ثانیاً دامنه آن محدود به افراد خاص و اقشار خاصی نیست، بلکه ممکن است افراد مختلفی از اقشار مختلف جامعه و با اهداف و انگیزه‌های نامشروع متعددی از سوی آدم‌رباها، مورد هدف قرار گیرد. ثالثاً آن قدر گسترده نیست که زنان و کودکان یک روستا یا یک شهر را در برگیرد، بلکه محدود به یک یا چند فرد می‌باشد. رابعاً در آن قسمت کردن مشروع وجود ندارد؛ چون بودن و دزدیدن از منظر اسلام ملک آور نیست؛ درحالی که فرایند برده‌گیری در اسلام اولاً به دور از خدعه و نیرنگ و زورگیری می‌باشد؛ قهر و غلبه‌ای که در آن وجود دارد، لازمه جدایی ناپذیر پیروزی در جنگ است و این غیر از زورگیری و قلدری است. ثانیاً دامنه آن محدود است به کفار حربی غیر ذمی و غیر معاهدی که با جامعه اسلامی سرستیز را در پیش گرفته و هدف و انگیزه آن هم صیانت از کیان اسلام، جامعه اسلامی و سنن و قوانین آن است که مورد تأیید عقل و شرع و فطرت می‌باشد. ثالثاً گستردگی آن بستگی دارد به منطقه مغلوب شده که گاهی یک روستا است و گاهی یک شهر و ... رابعاً قسمت کردن بردگان کاملاً مشروع است؛ زیرا با پیروزی و غلبه بر دشمن، «ملک یمین» محقق می‌شود، منتهی به صورت ملک مشاع که کسی حق تصرف در آن را بدون اجازه دیگران ندارد و قسمت کردن آنان بعد از اخذ صفایا و خمس، برای تعیین و مشخص نمودن حق تک تک افراد شرکت کننده در جنگ و مسووع تصرفات آنان می‌باشد.

در نتیجه می‌توان گفت که اتهام سها از اساس وارد نیست و به این ترتیب ثابت شد که هم ادعای او بدون دلیل است و هم بین برده‌گیری و آدم ربائی خلط نموده است.

۲-۲- مغالطه نمودن بین تجاوز جنسی و هم بستری مشروع

چنانکه ذکر شد، سها در اثر خود بی‌خبر از فرایند برده‌گیری در اسلام و شرایط بهره‌گیری از کنیزان، یا به بی‌خبری زدن خود و به غلط انداختن دیگران، مدعی شده که در جنگ‌های صدر اسلام، زنان و دختران به‌عنوان بردگان جنسی مادام‌العمر مورد تجاوز جنسی قرار می‌گرفتند که این ادعا - در پرتو آنچه که به عنوان مقدمات استدلال ذکر شد - از چند جهت مخدوش می‌باشد: اولاً مانند ادعای قبلی، ادعایی بدون دلیل است و نیازمند اثبات

می‌باشد. ثانیاً تعبیر «تجاوز جنسی» در جایی به کار برده می‌شود که روابط جنسی از طریق نامشروعی مانند زنا و لواط برقرار شده باشد؛ در حالی که روابط جنسی مسلمانان صدر اسلام با بردگان از طریق ملکیت یا تحلیل یا عقد دائم یا عقد موقت با آنان بوده که هر کدام به تنهایی سبب مستقل در حلیت برقراری روابط جنسی است. ثالثاً شکنجه شدن‌ها و کشته شدن برخی از مسلمانان در مکه توسط مشرکان، تصمیم‌گیری سران آن‌ها بر قتل رسول خدا ﷺ در «دار الندوه» و اجرائی ساختن آن در «لیله المییت»، مشخص ساخت که دشمن کمر بر نابودی اصل اسلام بسته و هرگونه حرمت جانی و مالی و عرضی خود را از بین برده است؛ لذا رسول خدا ﷺ بعد از هجرت، در مدینه حکومت اسلامی تشکیل داد و برای بقا و پیشرفت آن از جمله چیزهایی که به آن نیازمند بود تضعیف دشمن بود. بنابراین، سریه‌ها و غزوه‌هایی را به راه انداخت که اسارت و برده‌گیری برخی از افراد و خانواده‌های دشمن یکی از نتایج آن بود. بردگان به حکم اینکه انسانند و مانند احرار غریزه جنسی دارند و با برده شدن این غریزه آن‌ها از بین نمی‌رود؛ لذا ارضاء غریزه جنسی آنان یکی از نیازهای طبیعی و جزء حقوق آنان بود که برای برآورده شدن آن، دو راه بیشتر وجود نداشت: یکی مشروع؛ همانند: ملکیت، ازدواج و تحلیل و دیگری نامشروع؛ مانند: زنا، لواط، استمناء و مساحقه. پُر واضح است که در حکومت انسان‌ساز اسلامی، آن‌هم به رهبری شخصیت بی‌نظیری مانند رسول خدا ﷺ قط راهکار اولی عملی است. از طرف دیگر لغوی یک‌باره بردگی و آزاد نمودن آنان به صورت یک‌دفعه امکان‌پذیر نبود؛ زیرا آن‌ها نه خانه‌ای داشتند و نه ثروتی و حتی ممکن بود بیشتر آنان از گرسنگی بمیرند و برخی هم گناهمانی مانند: سرقت، زنا، لواط و... را مرتکب شوند و شیرازه جامعه را از هم پاشانند یا دوباره علیه حکومت اسلامی توطئه نمایند. از طرف سوم بردگان همان دشمنان راه‌یافته به داخل کشور اسلامی بودند که باید تربیت می‌یافتند و طعم شیرین آموزه‌های اسلام را می‌چشیدند و به تدریج آزاد می‌گردیدند و جذب جامعه اسلامی می‌شدند. طبیعی است که در طول مدت تربیت باید به نیازهای جنسی آنان پاسخ مثبت داده می‌شد و گرنه ممکن بود از طریق زنا، لواط و... جامعه را به فساد بکشانند. لذا در سیره رسول خدا ﷺ می‌بینیم که ایشان با «جویره» ازدواج کرد و همین‌طور سایر اصحاب و مسلمانان آن روز که یا خود با کنیزان ازدواج کردند یا از طریق ملکیت و یا از طریق تحلیل به غریزه

جنسی آنان پاسخ مثبت دادند یا کنیزان را به ازدواج غلامان در آوردند. بنابراین، بین تجاوز جنسی و هم‌بستری مشروع با کنیزان، تفاوت ماهوی وجود دارد و مغالطه‌سها و شبهه‌افکنی او از این طریق هم راه به جایی نمی‌برد.

۳-۲- اجازه دادن اسلام تصرفات مالکانه را در بردگان همراه با حفظ کرامت آنان

سها مدعی شده که رسول خدا ﷺ زنان و دختران غیرمسلمانان و حتی شوهرداران آنان را ملک سربازانش قرار می‌داد و آن‌ها را که از ابتدا آزاد بودند به درجه کالا تنزل می‌داد. در نقد آن باید گفت که اسلام اگر در شرایط خاصی، مالک شدن اسرای جنگی و تصرفات ملکی در آن را اجازه داده، اما بر حفظ احترام و کرامت انسانی آنان همواره تأکید نموده و این مطلب را می‌توان از بررسی سیره اسلام و مکانیسم آزاد سازی بردگان به دست آورد:

۱-۳-۲- سیره اسلام در مورد بردگان

در مباحث قبلی، چگونگی برده‌شدن اسرای جنگی و تصرفات مالکانه در آن و شرایط آن توضیح داده شد؛ لذا در این قسمت می‌پردازیم به اثبات حفظ احترام و کرامت انسانی بردگان از سوی اسلام؛

بعد از استقرار بردگی بر غلامی یا کنیزی، آن شخص «ملک یمین» می‌گردد که تمامی منافع و دست رنج او برای غیر می‌شود. در مقابل هزینه زندگی او بر عهده مالکش خواهد بود. سفارش اسلام نسبت به بردگان این است که صاحبان آنان، آن‌ها را از اهل بیت خود حساب کنند و در برخورداری از لوازم و امکانات زندگی مساوات را پیشه نمایند؛ هم‌چنانکه رسول خدا ﷺ با آنان غذا می‌خورد، نشست و برخاست می‌کرد، در خوراک و پوشاک و امثال آن هیچ تقدیمی برای خود بر آنان قائل نبود. توصیه می‌کرد از سخت‌گیری بر آنان، شکنجه نمودن آنان، ناسزا گفتن به آنان و ظلم کردن بر آنان، پرهیز نمایند. آنان را در شهادت دادن و شریک ساختن در کارهای خود، سهم نمایند؛ چه در زمان بردگی‌شان و چه بعد از آزادی‌شان. بردگان مجازند که با اذن صاحبان خود، با همدیگر و هم‌چنین با احرار ازدواج نمایند. ارفاق اسلام در حق بردگان به جایی رسید که آنان در تمامی امور، دوشادوش احرار، شریک شدند. تاریخ صدر اسلام از بردگانی هم‌چون: سلمان فارسی، بلال حبشی و ... نام می‌برد که متصدی امر امارت و قیادت لشکر شده‌اند؛ خود رسول خدا ﷺ صفيه دختر

حیی بن اخطب را آزاد کرد، سپس با او ازدواج نمود. حتی با جویریة دختر حارث که یکی از دوستان نفر اسرای جنگ بنی المصطلق بود همسر خود نمود و این عمل باعث شد که بقیه اسرا هم که همه زنان و کودکان بودند آزاد شوند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۴۷؛ همان، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۹۹).

۲-۳-۲- مکانیسم آزادسازی بردگان در اسلام

مکانیسم و سازوکار آزادسازی بردگان در اسلام، این‌گونه است که از یک طرف عموم مسلمانان را به آزاد نمودن بردگان ترغیب نموده؛ مثلاً در آیه ۱۷۷ بقره، صرف مال در جهت آزادی بردگان، جزء نیکی برشمرده شده، چنانکه می‌فرماید: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ»؛ بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد. از طرف دیگر، آزاد نمودن آنان را کفاره برخی از گناهان قرار داده؛ مثلاً در آیه ۶۰ توبه یکی از موارد مصرف صدقات واجب، آزادسازی بردگان قرار داده شده، چنانچه می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ...»؛ صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بندگان... اختصاص دارد. در آیه ۹۲ نساء کفاره قتل خطأ قرار داده شده، چنانکه می‌فرماید: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ و هر کس مؤمنی را به اشتباه کُشت، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خون‌بها پرداخت کند. در آیه ۸۹ مائده، آزاد نمودن برده جزء کفاره تخیر شکستن قسم قرار گرفته: «وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَوْ كِسْفٌ مِنْهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ»؛ ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند و کفاره‌اش خوراک دادن به ده بینواست از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده‌ای. در مورد کفارهظهار، در آیه ۳ مجادله، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا»؛

و کسانی که زنانشان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر هم‌خوابگی کنند، بنده‌ای را آزاد گردانند. از ناحیه دیگر با قرارداد تدبیر و کتابت به آزادی آنان اجازه داده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۴۸)؛ چنانکه در آیه ۳۳ نور می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُتُّعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَزَأْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا»؛ و از میان غلامانتان، کسانی که در صدقند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می‌یابید، قرار باز خرید آن‌ها را بنویسید. در مجموع می‌توان گفت که خرید و فروش بردگان در اسلام از این جهت که ملک مسلمانان است، جایز است؛ اما جایز بودن آن، هرگز مساوی با احترام نداشتن و کرامت نداشتن آنان نیست، بلکه کرامت شان همواره بر قوت خود باقی است و در نتیجه ادعای سها در این مورد هم ناتمام می‌باشد.

۴-۲- قیاس مع الفارق

دکتر سها از طریق قیاس نمودن کار رسول خدا ﷺ را با کار برخی از پادشاهان که در جنگ با دشمنانشان مرتکب اعمال زشتی می‌شده؛ مثلاً زنان یک روستا را برای شبی در اختیار سربازانشان قرار می‌داده، به شناعة و زشتی آن حکم نموده و آن را یک جنایت هولناک خوانده که در زشتی قرینی ندارد. در نقد آن باید گفت که این قیاس، یک قیاس مع الفارق است؛ زیرا اولاً پادشاهی که عمل کرد او مقیس علیه قرار گرفته و از طریق مفروغ عنه بودن شناعة و زشتی کار او، چنین حکمی بر مقیس هم سرایت داده‌شده، از دو حال خالی نیست؛ یا مسلمان بوده‌است یا غیرمسلمان، در صورت دومی تخصّصاً از محل بحث ما خارج است و صلاحیت معیار سنجش قرار گرفتن را ندارد؛ زیرا «ما نحن فیه» بررسی عملکردها از منظر دین مبین اسلام است. در صورت اولی باز از دو حال خارج نیست یا اذن شرعی برای جنگ داشته است یا نداشته؛ در حالت دومی باز مثل صورت قبلی از محل بحث خارج است منتهی تخصیصاً؛ زیرا اصل جنگ کردن او نامشروع بوده و به دنبال آن اسیر گرفتن و برده گرفتن او و هم چنین تصرفات او در کنیزان همگی نامشروع بوده است. در حالت دومی یا منظورش مسلم بن عقبه است یا غیر او، اگر اولی باشد که به دستور یزید بن معاویه بر شهر مدینه حمله کرد و سه شبانه‌روز آن را بر لشکریان خود مباح نمود (ر.ک: کوفی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۶۱؛ عسقلانی،

۱۴۱۵، ج ۶: ۲۳۳)، یا تخصصاً از محل بحث خارج است؛ بنابراین که یزید اصلاً مسلمان نبوده یا تخصصاً خارج است بنابراین که در ظاهر مسلمان بوده، اما خلافت و نیابت او نامشروع بوده و اذن او در این حمله هیچ اعتبار شرعی نداشته است. اگر دومی باشد با توجه به اینکه طرفین جنگ هر دو مؤمن و مسلمان بودند، مسلمان بودن مردم مدینه جزء مسلمت تاریخی است و مسلمان بودن طرف مقابل آنان طبق فرض مسأله است؛ پس در این صورت قوانین و شرایط اسارت و برده‌گیری شرعی بر آن منطبق نبوده؛ بلکه باید در مثل این مورد طبق مفاد آیه ذیل عمل می‌شد که خداوند متعال در آن چنین می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَأُضِلُّوا يَبْهَمًا فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَىٰ فَقَاتَلَا أَلَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ ت فَأُضِلُّوا يَبْهَمًا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات / ۹): و هر گاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد؛ و هر گاه باز گشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پسندگان را دوست می‌دارد. ثانیاً رسول خدا ﷺ معصوم است و قیاس کردن کار او را با کار غیر معصوم از اساس غلط است. ثالثاً این جمله سها: «بعضی پادشاهان در جنگ با دشمنانشان مثلاً زنان یک روستا را برای شبی در اختیار سربازانشان قرار می‌دادند»، ظهور در این دارد که به‌صرف تسلط یافتن، بدون این که قسمت و استبرائی صورت گرفته باشد، این اباحه صورت گرفته است؛ در حالی که در بررسی تاریخی و فقهی گذشت، اباحه مشروع بعد از اخراج خمس و تقسیم نمودن کنیزان و استبراء نمودن آنان به مدت یک حیض دیدن یا ۴۵ روز در زنان غیر حامل و وضع حمل نمودن در زنان حامل است.

نتیجه

از مجموع آنچه که در این مقاله آمد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اتهام دکتر سها، از اساس وارد نیست؛ زیرا برده‌گیری در اسلام برای تربیت نمودن اسرای جنگی کفار حربی، به تربیت اسلامی و چشاندن تعالیم روح بخش اسلامی به آنان است، نه به منظور شهوت‌رانی و بی‌بندباری جنسی و اگر استمتاعی هم از کنیزان برده می‌شود، مشروط به شرایطی است که از سوی شرع مقدس اسلام، گذاشته شده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بیهقی، ابوبکر. (۱۴۰۵). **دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. جزری، عزالدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد. (۱۴۰۹). **أسد الغابة في معرفة الصحابة**. بیروت: دارالفکر.
۴. جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۳). **موسوعة الفقه الإسلامي طبقا لمذهب أهل البيت عليهم السلام**. زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی. ۱۱ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۵. حسینی طهرانی، محمدحسین. (۱۴۲۷). **نور ملکوت قرآن**. ۴ جلد. چاپ سوم. مشهد: علامه طباطبایی.
۶. حلبی شافعی، ابوالفرج. (۱۴۲۷). **السيرة الحلبیة** (إنسان العيون في سيرة الأمين المأمون). چاپ دوم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳). **قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام**. ۳ جلد. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. حمیری المعافری، عبدالملک بن هشام. (بی تا). **السيرة النبویة**. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلبی. بیروت: دار المعرفة.
۹. دکتر سها. (۱۳۹۳). **نقد قرآن**. [بی جا]: [بی نا].
۱۰. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). **فروغ ابدیت**، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم. چاپ بیست و یکم. قم: بوستان کتاب.
۱۱. صالحی شامی، محمد بن یوسف. (۱۴۱۴). **سبل الهدی و الرشاد في سيرة خير العباد**. تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). **الميزان في تفسير القرآن**. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. _____ (۱۳۷۴). **ترجمه تفسیر المیزان**. ۲۰ جلد. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). **تاریخ الأمم و الملوک**. چاپ دوم. بیروت: دار التراث.
۱۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷). **الخلاف**. ۶ جلد. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. _____ (۱۴۰۷). **تهذیب الأحكام**. ۱۰ جلد. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۱۷. عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰). **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر)**. ۱۰ جلد. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری.
۱۸. عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۴). **جامع المقاصد في شرح القواعد**. ۱۳ جلد. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم‌السلام.
۱۹. عربی، حسین علی. (۱۳۸۳). **تاریخ تحقیقی اسلام**. چاپ چهارم. قم: مؤسسه امام خمینی.
۲۰. عسقلانی، ابن حجر. (۱۴۱۵). **الإصابة في تمييز الصحابة**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۱. فقیه، محمد حسن. (۱۴۱۷). **الموسوعة الكبرى في غزوات النبي الاعظم**. چاپ اول. [بی‌جا]: مؤسسه الفقیه.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). **تفسیر القمی**. ۲ جلد. چاپ سوم. قم: دار الکتب.
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰). **تفسیر فرات الکوفی**. ۱ جلد. چاپ اول. تهران: مؤسسه الطبع و النشر في وزارت الإرشاد الإسلامي.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. ۱۱۱ جلد. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۵. محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸). **شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام**. ۴ جلد. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی. (۱۴۲۰). **إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع**. به تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۷. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی. (۱۴۰۹). **مبانی فقهی حکومت اسلامی**. ترجمه محمود صلواتی و ابوالشکور. ۸ جلد. قم: مؤسسه کیهان.
۲۸. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). **جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام**. ۴۳ جلد. چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۹. واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹). **کتاب المغازی**. تحقیق مارسدن جونز. چاپ سوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۳۰. وجدانی فخر، قدرت‌الله. (۱۴۲۶). **الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية**. ۱۶ جلد. چاپ دوم. قم: انتشارات سماء قلم.
۳۱. یوسفی غروی، محمدهادی. (۱۴۱۷). **موسوعة التاريخ الإسلامي**. چاپ اول. مجمع انديشه اسلامی.

Sources and references

1. Holy Quran.
2. Bayhaqi, Abu Bakr. (1405). Evidences of Prophethood and knowledge of the conditions of the Shariat. First Edition. Beirut: Dar al-Kutub Al-Alamiya.

3. Jazri, Izzaldin bin al-Athir, Abu al-Hasan Ali bin Muhammad. (1409). The lion of the forest in the knowledge of the Companions. Beirut: Dar al-Fakr.
4. A group of researchers (1423). The encyclopedia of Islamic jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them. Under the supervision of Seyyed Mahmoud Hashemi Shahroudi. 11 volumes. First Edition. Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them.
5. Hosseini Tehrani, Mohammad Hossein. (1427). The light of the kingdom of the Qur'an. 4 volumes. Third edition. Mashhad: Allameh Tabatabayi.
6. Halabi Shafi'i, Abul Faraj. (1427). Sirah al-Halbiyyah (Man of Eyes in Sirah Al-Amin al-Ma'mun). second edition. Beirut: Dar al-Kutub Al-Alamiya.
7. Hali, Hasan bin Yusuf bin Motahar Asadi. (1413). The rules of law in the knowledge of halal and haraam. 3 volumes. First Edition. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers.
8. Hamiri al-Maafari, Abdul Malik bin Hisham. (Bita). The Prophet's biography. The research of Mustafa Al-Saqqah, Ibrahim Abyari and Abdul Hafeez Shalabi. Beirut: Dar al-Marafah.
9. Dr. Soha. (2013). Critique of the Qur'an. [Bija]: [Bina].
10. Sobhani, Jafar. (1385). Forough Abdit, a complete analysis of the life of Prophet Akram. 21st edition. Qom: Bostan Kitab.
11. Salehi Shami, Muhammad bin Yusuf. (1414). The path of guidance and guidance in the life of Khair al-Aba. The research of Adel Ahmad Abdulmojood and Ali Mohammad Moawad. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamieh.
12. Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (1417). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Fifth Edition. Qom: Islamic Publications Office of the Islamic Seminary Society.
13. (1374). Translation of Tafsir al-Mizan. 20 volumes. Fifth Edition. Qom: Society of Teachers of Qom Seminary.
14. Tabari, Muhammad bin Jarir. (1412). The history of nations and kings. second edition. Beirut: Dar al-Trath.
15. Tusi, Abu Jaafar Muhammad bin Hassan. (1407). Al-Khalaf 6 volumes. First Edition. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers.
16. (1407). Tahdeeb al-Ahkam. 10 volumes. fourth edition. Tehran: Islamic Books Dar.
17. Aamily, Zain al-Din bin Ali. (1410). Al-Rawda al-Bahiyyah in the description of Al-Lama' Al-Damashqiyya (Al-Mahshi - Sheriff). 10 volumes. First Edition. Qom: Davari bookstore.
18. Aamily, Ali bin Hossein. (1414). Jami al-Maqasid in the explanation of the rules. 13 volumes. second edition. Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them.
19. Arabi, Hossein Ali. (2013). Research history of Islam. fourth edition. Qom: Imam Khomeini Institute.
20. Askalani, Ibn Hajar. (1415). Injured in discriminating the Companions. First Edition. Beirut: Dar al-Kutub Al-Alamiya.
21. Faqih, Mohammad Hassan. (1417). Al-Musua al-Kubari fi Ghazwat al-Nabi al-Azam. First Edition. [Unplaced]: Al-Faqih Institute.
22. Qomi, Ali bin Ibrahim. (1363). Tafsir al-Qami. 2 volumes. Third edition. Qom: Dar al-Kitab.
23. Kufi, Firat bin Ibrahim. (1410). Tafsir of Firat al-Kufi. 1 vol. First Edition. Tehran: Al-Tabb and Al-Nashar Foundation in the Ministry of Islamic Guidance.
24. Majlisi, Mohammad Bagher. (1403). Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imam al-Athar. 111 Vol. second edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
25. Mohagheq Hali, Najm al-Din Jafar bin Hasan. (1408). The laws of Islam in matters of halal and haram. 4 volumes. second edition. Qom: Ismailian Institute.
26. Maqrizi, Taghi al-Din Ahmed bin Ali. (1420). Enjoyment of the names of the Prophet, I have the conditions, the wealth, the grandchildren, and the gifts. According to the research of Mohammad Abdulhamid Al-Namisi. First Edition. Beirut: Dar al-Kutub al-Alamieh.
27. Montazeri Najafabadi, Hossein Ali. (1409). Jurisprudential foundations of Islamic government. Translated by Mahmoud Salavati and Abul Shokouri. 8 volumes. Qom: Keihan Institute.

28. Najafi, Mohammad Hassan. (1404). Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam. 43 volumes. The seventh edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
29. Waqidi, Muhammad bin Omar. (1409). Al-Maghazi book Research by Marsden Jones. Third edition. Beirut: Al-Alami Institute.
30. Vojdani Fakh, God's power. (1426). Al-Jawahir al-Fakhriya in the description of al-Ruda al-Bahiya. 16 volumes. second edition. Qom: Sama Qalam Publications.
31. Yousefi Gharavi, Mohammad Hadi. (1417). Encyclopedia of Islamic History. First Edition. Assembly of Islamic Thought.

